عرضه و تقاضا چیست

۱۳۹۹-۱۴۰۰

عرضه و تقاضا چیست؟

در درس های پیش رو، معامله گری به روش عرضه و تقاضای Set & Forget را خواهید آموخت. همانگونه که در سیاره ما قانون جاذبه همه چیز را کنترل می کند در بازار ها هم سرمایه های بزرگ حکمرانی می کنند. خریداران و فروشندگان همواره در نبردی بی پایان قرار دارند تا بر سر قیمت محصول مورد نظر به توافق برسند.

تنها دلیل حرکت قیمت در هر بازاری عدم تعادل بین عرضه و تقاضا است. هرچه عدم تعادل بزرگتر باشد، حرکت قیمت هم بزرگتر خواهد بود.

اما عدم تعادل چگونه به وجود می آید؟

- بازار ارز ها و به طور کلی همه ی بازار های مالی جهان تحت سلطه ی سرمایه گزاران و موسسات بزرگ، بانک های مرکزی و معامله گران حرفه ای قرار دارند.
- اخبار روزانه همواره اقتصاد های جهان را تحت تاثیر قرار می دهند.
- اخبار مثبت معمولا با افزایش تقاضا و کاهش عرضه سبب بالا رفتن قیمت می شوند.
- اخبار منفی معمولا با کاهش تقاضا و افزایش عرضه سبب پایین آمدن قیمت می شوند.
- معامله گران و سرمایه گزاران کوچک در این نبرد در نهایت طعمه می شوند و سرمایه ای که معامله گران حرفه ای برای پر کردن سفارشاتشان نیاز دارند را برای آنها تامین می کنند! در سقف قیمتی اگر خریداران طمعکار وجود نداشته باشند، آنها می خواهند به که بفروشند؟!

هر تریدر یا معامله گری درک متفاوتی از قیمت عادلانه و ارزش آینده آن کالا دارد.

به زبان ساده عرضه، آن مقداری است که در دسترس است و تقاضا آن مقداری است که برایش درخواست وجود دارد.

عرضه مقداری است که در قیمتی خاص به فروش گذاشته می شود و تقاضا آن مقداری است که در آن قیمت برایش خریدار وجود دارد.

- هرچه قیمت بالاتر می رود، علاقه ی فروشندگان به فروش محصولشان هم بیشتر می شود.
- از طرف دیگر هرچه قیمت بالاتر می رود، می بینیم که تقاضا کاهش می یابد؛ خریداران در قیمت های پایینتر تقاضای بیشتری دارند و بیشتر مشتاق به خریدند.



مطمئنم دیدم شیر سویا را برای نیم دلار به فروش گذاشته بودند!



این اتفاقی است که برای فروشگاه ها می افتد وقتی که قیمت ها پایین هستند. قفسه های خالی.

مثالی از زندگی واقعی

بیایید فرض کنیم که شریک زندگیتان از شما می خواهد که برای شام مقداری گوشت بخرید. به فروشگاه می روید و می بینید قیمت استیکی که معمولا تهیه می کردید تقریبا دو برابر شده است! حالا برای اینکه از باربیکیوتان لذت ببرید باید دو برابر هزینه کنید؛ سریعا با خود فکر می کنید که آن استیک واقعا چقدر ارزش دارد؟ و به دنبال جایگزینی برای آن مثل گوشت همبرگر و یا مرغ می گردید. محصولات دیگری که به کمک آنها همان نتیجه را با هزینه ای بسیار کمتر به دست می آورید.

افراد بسیاری در این شرایط مانند شما تصمیم میگیرند و به جای تهیه استیک به دنبال جایگزین ها می گردند. این یک مثال روزمره از عرضه و تقاضا است که نشان می دهد چگونه با افزایش قیمت، تقاضا کاهش پیدا می کند.

هفته ی بعد باز به فروشگاه می رویدو می بینید که آن استیک ۸۰ درصد تخفیف خورده است و حتی از قیمت اولیه اش هم پایین تر آمده است. این بار شما متفاوت از هفته ی پیش فکر می کنید و با خود می گویید اکنون که قیمت پایین است می توانم استیک بیشتری بخرم. مشتری های دیگر هم با شما هم عقیده هستند و می بینید که اگر دست نجنبانید همه ی استیک ها خریده می شوند و دیگر به شما چیزی نمی رسد!

اینجا هم پای تقاضا به میان می آید، با پایین آمدن قیمت استیک تقاضا برای آن افزایش پیدا کرد؛ نه فقط از جانب شما بلکه از جانب کل بازار. این مثال بسیار شبیه اتفاقی است که هر روز در بازار ارزها در حال رخ دادن است.

فارکس بزرگترین بازار مالی در جهان است و ارزش معاملات روزانه آن از مرز ۵ تریلیون دلار می گذرد. دلیل این امر تقاضای سنگین برای کالاها و ارزهایی است که در آن معامله می شوند. ارز ها، پایه و اساس اقتصاد جهان را تشکیل می دهند. هرگاه یک اقتصاد بخواهد با اقتصادی دیگر معامله ای کند (در صورتیکه ارز آن دو کشور متفاوت باشد)، یک صرافی فارکس نیاز خواهد بود تا این تبدیل پول را انجام دهد.

برخلاف سایر بازار ها که یک صرافی همه ی معاملات را در بر می گیرد، هر بروکر فارکس یک بازار مجزا ایجاد می کند. چارت ها کم و بیش مشابه یکدیگر هستند ولی برخی کندل ها و الگو های قیمتی می توانند در هر بروکر کمی متفاوت باشند. در نهایت بازار های مختلفی که توسط بروکر ها ایجاد شده اند تا حدودی آربیتراژ می شوند. (نمی توانید از این اختلاف قیمت سوء استفاده کنید و در یک بروکر ارزان بخرید و بلافاصله در بروکری دیگر گران تر بفروشید). بنابراین قیمت ها به یکدیگر نزدیک هستند و شما در نهایت باید هر آنچه در چارت خود می بینید را معامله کنید و به هیچ چیز دیگری توجه نکنید.

البته این اختلاف قیمت مختص فارکس نیست و مثلا در صرافی های ارز های دیجیتال هم تا حدودی وجود دارد

چیزی که ما از رفتار یک جفت ارز درک می کنیم در واقع دستکاری شده است. بعضی جفت ارز های فرعی از حجم معاملات و در نتیجه نقد شوندگی پایینتری برخوردارند. قیمت در محدوده هایشان نفوذ می کند و

سپس به خوبی به آنها واکنش نشان می دهد! در این شرایط نباید بگوییم "این جفت ارز از قوانین عرضه و تقاضا پیروی نمی کند." بلکه باید بگوییم "قیمت در این جفت ارز در حال دستکاری شدن است و Bull trap ها و Bear trap ها (همان شکست های جعلی) در حال تشکیل اند."

به خاطر داشته باشید که فارکس بزرگ ترین بازار مالی جهان است و توسط حرفه ای ها با سرمایه های کلان کنترل می شود، نه سرمایه های خرد. موسسات بزرگ همانند یک شکارچی از انواع دام ها و نیرنگ ها برای به چنگ آوردن شکارشان بهره می برند، و ما به عنوان معامله گران و سرمایه گذاران کوچک تمام تلاشمان را میکنیم که در دام آنها نیفتیم و توسط آنان شکار نشویم.

عرضه و تقاضا و بازار ها حافظه دارند

چند بار دیده اید که بازار به محلی که یک حرکت بزرگ از آنجا آغاز شده بازگشته است، فقط به این خاطر که قبل از حرکت بزرگ جدیدش به آن سطح ادای احترام کند؟ این اتفاق آنقدر زیاد می افتد که شما نیاز دارید به خوبی آن را درک کنید و یاد بگیرید که چگونه به درستی از آن بهره ببرید؛ چراکه این سناریو ها معمولا موقعیت هایی با احتمال برد بسیار بالا و ریسک به ریوارد هایی بسیار مطلوب را در بر دارند.

این بسیار مهم است که به خاطر داشته باشید که ستاپ هایی که ما در آکادمی Set & Forget استفاده می کنیم، علم مطلق نیســـتند ولی در درک ملزومات بازار به ما کمک می کنند و درواقع ابزار ما برای تحلیل چارت هستند.



سرمایه گزار حرفه ای به شکار می رود و معامله گران معمولی را به دام می اندازد.

شکل و شمایل یک عدم تعادل (در عرضه و تقاضا) چگونه است؟

هدف هر سرمایه گزار کوچک و بزرگ این است که توانایی تشخیص نقاط چرخش قیمت را پیدا کند و همچنین بتواند تشخیص دهد که در صورت چرخش و تغییر روند قیمت، مقصد بعدی آن کجا خواهد بود؟ این تنها راه پیدا کردن معامله هایی با ریسک پایین و احتمال موفقیت بالا است. همانطور که در درس های آینده خواهید دید، قیمت معمولا در محدوده هایی می چرخد و تغییر مسیر می دهد که عرضه و تقاضا از تعادل خارج هستند؛ یا به عبارت دیگر در **محدوده های عدم تعادل عرضه و تقاضا**. هر چه این عدم تعادل قوی تر باشد، احتمال چرخش قیمت از آن محدوده هم بیشتر خواهد بود. حالا سوال این است که ما چگونه می توانیم این محدوده ها را روی چارت تشخیص دهیم؟

چرا موسسات بزرگ معمولا سود بسیاری می کنند و اکثر اوقات و به طور همزمان حق با آنهاست؟ ولی معامله گران و سرمایه گزاران کوچک معمولا اشتباه می کنند و بیشتر پولشان را از دست می دهند؟

معامله گران کوچک به طور رایج به دنبال چارت هایی هستند که فعالیت بسیاری در آنها در جریان است یعنی در ناحیه ای به خصوص کندل های بسیاری جای گرفته اند. به آنها گفته شده، هر چه فعالیت در ناحیه ای بیشتر باشد یعنی حجم بیشتری در آنجا معامله شده و در نتیجه احتمال اینکه قیمت به آن ناحیه واکنش نشان دهد بیشتر است. (همان مفهوم حمایت و مقاومت کلاسیک که ادعا دارد با افزایش برخورد های قیمت به یک سطح آن سطح از قدرت بیشتری برخوردار است!) ولی در حقیقت برعکس این قضیه صادق است. **قیمت از منطقه ای بر میگردد که یک عدم تعادل بزرگ بین عرضه و تقاضا وجود دارد**. ما در این مناطق عدم تعادل، مقدار بسیار کمی معامله خواهیم دید که بیشتر این مقدار هم از جانب یک طرف بازار است. در درس های آینده بیشتر در مورد امتیاز دهی به مناطق عدم تعادل بر اساس مدت زمانیکه قیمت در آنها سپری کرده است صحبت خواهیم کرد. فعلا در همین حد بدانید که برخلاف نظر تحلیل تکنیکال کلاسیک که به دنبال مناطقی با تعداد برخورد بالا هستند، ما درتحلیل به سبک پرایس اکشن اتفاقا به دنبال مناطق دنج که معامله کمی در آنها انجام شده است هستیم.

ما به مناطقی که فعالیت کمی در آنجا انجام شده و پس از آن قیمت یک حرکت ناگهانی و بزرگ انجام داده است، علاقه مند هستیم؛ چرا که بیشتر فعالیت در این مناطق از جانب یک طرف بازار است: *همان سرمایه گزاران بزرگ*. این سرمایه گزاران وقتی معاملات خود را انجام می دهند از خود رد پایی به جا می گذارند و ما هم قصد داریم بیاموزیم چگونه این ردپاها را پیدا کنیم و هم جهت و همراه با سرمایه گزاران بزرگ وارد معامله شویم، نه برخلاف جهت و در جنگ با آنها. ما به دنبال مقدار زیادی سفارش پر نشده هستیم. این سفارشات پر نشده از خود در چارت ردی به جای می گذارند که اگر چشمان و ذهنتان به اندازه کافی تمرین دیده باشند، آنها را به راحتی هر چه تمام تر پیدا می کنید.

اما همه ی این چیز هایی که گفتیم در چارت چگونه دیده می شوند، در زیر چارت EURUSD در تایم فریم روزانه را در تاریخ 4 سپتامبر 2018 مشاهده می کنید.

- محدوده های درون بیضی های ۲ و ۴ که کندل های بسیاری را در برگرفته اند، همان چیزی هستند که در تحلیل تکنیکال سـنتی حمایت و مقاومت نامیده می شـود. مناطقی که حجم زیادی معامله درون آنها انجام شده است.
- وقتیکه قیمت به محدوده ۲ می رسد نمی تواند بلافاصله از آن عبور کند و به دلیل عرضه ی اندکی که در آن ناحیه وجود دارد مدتی را در آنجا باقی می ماند. گرچه به دلیل مقدار زیاد معامله ای که قبلا در آن ناحیه انجام شده، نمی توانیم بگوییم که عدم تعادل قدرتمندی آنجا وجود دارد.
- وقتیکه قیمت به ناحیه ۴ می رسـد بدون اینکه حتی یک لحظه متوقف شـود، آن را پشـت سر می گذارد و به مسیر نزولی خود به سمت ناحیه ۶ ادامه می دهد.

- اگر نگاه دقیق تری به سطوح ۱و ۳و ۵ بیندازیم، می بینیم که فعالیت بسیار اندکی در آن نواحی انجام شده است. سرمایه گزاران کوچک معمولی به این نواحی توجهی نمی کنند و عقیده دارند که اینها نقاط خوبی برای فروش نیستند.
- ولی این دقیقا همان چیزی است که ما به دنبال آن هستیم؛ یک عدم تعادل قدرتمند که فعالیت و معامله ی اندکی در مبدا حرکت آن انجام شده و پس از آن هم یک حرکت شارپ و قدرتمند رقم خورده است. اینها همان ردپا هایی هستند که سرمایه گزاران بزرگ از خود به جای می گذارند.
- داشتن یک عدم تعادل قدرتمند و یا بسیار قدرتمند هم لزوما به این معنا نیست که قیمت به خوبی به آن ناحیه واکنش نشان خواهد داد. برای مثال به سطح عرضه در ۳ نگاه کنید؛ با اینکه سطحی قدرتمند با مقدار کمی فعالیت و معامله در آن ناحیه را شاهد بودیم، قیمت به آن احترام نگذاشته و پس دو روز درگیری، آن را حذف کرده و پشت سر گذاشته است.



این دقیقا همان چیزی است که در درس ها خواهید آموخت. مرحله به مرحله راهنمایی می شوید که چگونه ردپای سرمایه گزاران بزرگ را پیدا کنید و هم رکاب با آنها معامله کنید، نه در جنگ با آنها.

معامله گری قمار نیست. قمار هم معامله گری نیست!

جنبه هایی از قمار و معامله گری هستند که به یکدیگر شباهت دارند و نکاتی وجود دارند که ما می توانیم از قمار بازان قهار بیاموزیم.

چرا ما به یادگیری معامله کردن به کمک عرضه و تقاضا علاقه مند هستیم؟ چرا باید برنامه (پلن) معاملاتی داشته باشیم؟ چرا در معامله کردن یک سری قوانین را رعایت می کنیم؟

جواب همه ی این سوالات یک چیز است: تا نسبت به بقیه یک برتری داشته باشیم! برای اینکه سیگنال های خرید و فروش را طبق اصولی مشخص پیدا کنیم و معاملاتمان را به صورت نظام مند انجام دهیم. تنها اینگونه است که می توانیم از معاملاتمان به صورت مستمر نتیجه مثبت بگیریم.

به بیان دقیق تر، منظور از داشتن برتری این است که احتمالات را در جبهه ی خودمان داشته باشیم. به کلمه ی «احتمال» توجه کنید. این خیلی مهم است که درک کنیم هیچ برتری نمی تواند موفقیت ما را تضمین کند. بلکه فقط می تواند احتمال آن را افزایش دهد.

به صنعت قمار نگاه کنید. صنعت قمار هم بر اساس احتمالات است. احتمالاتی که به نفع گردانندگان آن است، و نه کسانی که بازی می کنند. تا به حال به این فکر کرده اید که چرا بزرگ ترین و پر زرق و برق ترین هتل ها در لاس وگاس هستند؟ این کازینو ها هستند که با سودشان این هتل های رویایی را می سازند. آنها نه تنها می خواهند آنجا زندگی کنید تا شما را در نزدیکی خودشان داشته باشند، بلکه با نوشیدنی های رایگان و انواع امکانات سعی در اغوا کردن شما دارند تا حتی یک لحظه هم فکر رسیدن به رویاهایتان در یک شب را از ذهنتان بیرون نکنید.

یک چرخ رولت را در نظر بگیرید:

این چرخ از خانه هایی با اعداد ۱ تا ۳۶ به همراه ۰ (و ۰۰ در رولت آمریکایی) تشکیل شده است. ۱۸ خانه سیاه، ۱۸ خانه قرمز و ۰ (و ۰۰ در صورت وجود) که سبز است. اگر شما روی قرمز شرط ببندید برد و باختتان ۵۰-۵۰ نیست. در واقع کازینو ۲.۷ درصد برتری خانه سبز رنگ را نسبت به شما دارد (در رولت بدون ۰۰) که در آن هم کازینو برنده است. پس در حقیقت شانس برد شما ۴۷.۳ درصد و شانس برد کازینو ۵۲.۷ درصد است. به نظر شما اگر یک نفر در رولت برنده ی یک میلیون دلار بشود، کازینو نگران می شود؟ جواب منفی است؛ کازینو می داند که بالاخره پس از هزاران بازی دیگر نه تنها آن یک میلیون دلار را جبران می کند، مقدار اضافه ای هم سود می کند. چون نسبت به شما و بقیه قمار بازان برتری احتمالات را دارد.

مانند قمار بازان حرفه ای و کازینو ها، بهترین معامله گران هم به معامله گری به عنوان یک بازی اعداد نگاه می کنند و احتمالات را معامله می کنند که به نتایج مستمر دست یابند. **واژه ی احتمال، عدم استمرار را نشان می دهد ولی در دراز مدت اگر برتری در احتمالات به اندازه کافی خوب باشد برایند کلی به طور مستمر مثبت خواهد بود**. به مثال کازینو دقت کنید که همانطور که برایند کار کازینو با وجود ضرر های یک میلیون دلاری در پایان ماه همیشه مثبت است، یک معامله گر موفق هم با وجود ضرر هایش برایند کلی ماهانه اش یقینا مثبت خواهد بود.

این ویدئوی ۱۵ دقیقه ای بسیار جالب در خصوص مفهوم قمار کردن را تماشا کنید.